

بررسی نظری و تجربی رابطه میان مشارکت اجتماعی و روحیه کارآفرینی زنان روستایی (مورد مطالعه: دهستان شیروان از توابع شهرستان بروجرد)

لیلا نصرالهی وسطی^۱

تاریخ دریافت: ۲۶ آبان ۱۳۹۳

تاریخ پذیرش: ۶ اسفند ۱۳۹۳

چکیده

اهمیت کارآفرینی روستایی و نقش آن در بهبود و توسعه کشورها، به ویژه کشورهای درحال رشد، توجه زیادی را به خود معطوف کرده است. هدف از انجام این مطالعه، بررسی نظری و تجربی رابطه مشارکت اجتماعی و روحیه کارآفرینی در زنان کارآفرین روستایی است. جامعه آماری پژوهش، زنان عضو شرکت تعاونی دهستان شیروان از توابع شهرستان بروجرد هستند. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۱۸ نفر از اعضای این تعاونی است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است. فرض اصلی پژوهش این است که بین مشارکت اجتماعی با ابعاد رسمی و غیررسمی (همیارانه، مذهبی و خیریه‌ای) و روحیه کارآفرینی (با ابعاد ریسک‌پذیری و خلاقیت) رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بین مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی با روحیه کارآفرینی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: روحیه کارآفرینی، ریسک‌پذیری، زنان کارآفرین، خلاقیت، مشارکت اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، ایران.

I.nasrolahi@tabrizu.ac.ir

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد لیلا نصرالهی است که با راهنمایی دکتر سید احمد فیروزآبادی در سال ۱۳۹۱ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران دفاع شده است.

مقدمه و طرح مسئله

نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و غیره موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری شده است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). بنابراین به دلیل بیکاری زیاد در نواحی روستایی، برای رسیدن به توسعه پایدار و همه‌جانبه و نیز کاهش فقر و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها، لازم است به مقوله توسعه کارآفرینی روستایی توجهی ویژه شود. کارآفرینی روستایی به راهکاری نوین در راستای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی روستاییان و ابزاری مهم در رسیدن به توسعه پایدار روستایی تبدیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه و رشد اقتصادی در مناطق روستایی محقق نمی‌شود مگر زنان روستایی در تمامی جهات و ابعاد توسعه مداخله مستقیم داشته باشند (هلیگ^۱، ۲۰۰۹: ۱۲۳). به همین دلیل تقویت کارآفرینی زنان^۲ روستایی راهکاری مؤثر در راستای دو شاخص توسعه؛ یعنی افزایش اشتغال و کاهش بیکاری تلقی می‌شود. زنان روستایی کارآفرینی را به عنوان کار در مجاورت منزل خود تلقی می‌کنند که این نگرش، استقلال، فقدان وابستگی و کاهش نیاز شدید آنها به حمایت‌های جامعه را موجب می‌شود. همچنین امروزه تقویت کارآفرینی زنان روستایی به لحاظ معقولانه بودن، انسانی‌تر بودن و سازگارتر بودن با محیط زیست اهمیت اساسی دارد (حیدری سازبان، ۱۳۹۱: ۱۶۰). بر اساس مطالعات بانک جهانی، برای تحقق کارآفرینی، باید سهولت دسترسی زنان روستایی به سرمایه، افزایش حمایت‌های فنی و تخصصی از آنها، بسترسازی فرهنگی و فرصت‌های ایجاد شبکه فراهم شود. بنابراین یکی از راهبردهای مؤثر در راستای توسعه همه‌جانبه و پایدار نواحی روستایی، مشارکت و توانمندی‌های مردم به‌ویژه زنان است (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷: ۱۶۳). استان لرستان در میان استان‌های کشور رتبه نخست آمار بیکاری را دارد که بالطبع شامل نقاط روستایی و آمار خوداشتغالی جامعه روستایی استان نیز می‌شود (فیروزآبادی و نصرالهی، ۱۳۹۳: ۲۵). بحث بیکاری، روند نزولی خوداشتغالی و کمبود

1. Heilig
2. Entrepreneur woman

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi Director in Charge: Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

بررسی نظری و تجربی رابطه میان مشارکت اجتماعی ...

درآمد در طی دهه‌های اخیر، برخی از مشکلات اساسی موجود در روستاهای استان لرستان به شمار می‌رود. به دلیل غلبه فرهنگ سنتی و بومی روحیه کارآفرینی در مناطق روستایی لرستان پایین است، به‌خصوص محدودیت‌های فرهنگی و سنتی پیش‌روی زنان این مشکل را بیشتر می‌کند چون غالباً با مشارکت بیرون از خانه زنان مخالفت می‌شود. هدف اصلی مطالعه حاضر، بررسی رابطه مشارکت اجتماعی^۱ (به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی) با روحیه کارآفرینی^۲ زنان روستایی بخش شیروان شهرستان بروجرد است تا تعیین شود مشارکت اجتماعی (رسمی، همیارانه، مذهبی و خیریه‌ای) تا چه اندازه می‌تواند بر روحیه کارآفرینی زنان تأثیر بگذارد. این مطالعه در پی پاسخگویی به چهار پرسش مهم است: الف) آیا بین مشارکت اجتماعی رسمی و روحیه کارآفرینی از نظر ریسک‌پذیری^۳ و خلاقیت^۴ ارتباط وجود دارد؟ ب) آیا بین مشارکت اجتماعی غیررسمی همیارانه و روحیه کارآفرینی از نظر ریسک‌پذیری و خلاقیت ارتباط وجود دارد؟ ج) آیا بین مشارکت اجتماعی غیررسمی مذهبی و روحیه کارآفرینی از نظر ریسک‌پذیری و خلاقیت ارتباط وجود دارد؟ د) آیا بین مشارکت اجتماعی غیررسمی خیریه‌ای و روحیه کارآفرینی از نظر ریسک‌پذیری و خلاقیت ارتباط وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

فیروزآبادی و نصرالهی وسطی (۱۳۹۳) مطالعه‌ای را با هدف ارزیابی رابطه اعتماد اجتماعی و روحیه کارآفرینی زنان روستایی انجام دادند. آنها دریافتند که هر چه اعتماد اجتماعی (فردی، عمومی، و نهادی) زنان روستایی بیشتر باشد، قدرت ریسک‌پذیری آنها افزایش می‌یابد و در فعالیت‌های کاری خود از خلاقیت بیشتری برخوردار می‌شوند. کاوسی و کیاسی (۱۳۸۷) به بررسی نقش اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی در توسعه کارآفرینی پرداخته و نشان دادند رابطه مثبتی بین اعتماد و هنجارها و شبکه‌های اجتماعی با کارآفرینی سازمانی وجود دارد. به این معنا که هر چه افراد مشارکت بیشتری در شبکه‌های اجتماعی داشته باشند، به همان اندازه در توسعه کارآفرینی نقش و اثر بیشتری ایفا می‌کنند. به عبارتی، هرچه شبکه‌های اجتماعی از طریق همکاری برای تحقق اهداف، هماهنگی

1. Social participation
2. Entrepreneurial spirit
3. Risk-taking
4. Creativity

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi Director in Charge: Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

بیشتری داشته باشند، در توسعه کارآفرینی تأثیر بیشتری خواهند گذاشت. ربیعی و صادق‌زاده (۱۳۹۰) نیز بر این باورند که کارآفرینی، فرآیندی است که در شبکه‌ای از روابط اجتماعی واقع شده و این روابط می‌تواند رابطه کارآفرین را با منابع و فرصت‌ها، محدود یا تسهیل کند. این محققان با استفاده از داده‌های حاصل از ۳۴ شرکت فعال، که اغلب در قالب بنگاه‌های کوچک زودبازده و کارآفرین فعالیت داشتند، دریافتند رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (از جمله مشارکت اجتماعی) با کارآفرینی وجود دارد. در میان ابعاد کارآفرینی نیز شاخص ریسک‌پذیری دارای بیشترین اولویت (اهمیت) بود. یافته‌های تحقیق آنها نشان می‌دهد شرایط محیطی متأثر از سرمایه اجتماعی می‌تواند فرایند تبدیل خلاقیت به کارآفرینی را دستخوش تغییر کند. داشتن شبکه‌ای از روابط گسترده، بالا بودن اعتماد و تبادل اطلاعات، میل به کارآفرینی را افزایش خواهد داد. به علاوه، بالا بردن حمایت اجتماعی از ریسک خلاقانه، ارتقای روحیه کار تیمی و فعالیت‌های مشارکتی عوامل ارتباطی و روابط متقابل همراه با اعتماد، زمینه‌های اجتماعی کارآفرینی به حساب می‌آیند.

اسدی ابوخیلی (۱۳۹۰) به شناسایی تأثیر سرمایه اجتماعی بر موفقیت کارآفرینی اجتماعی پرداخته و به نتایج زیر دست یافتند: ۱. بین بعد شناختی سرمایه اجتماعی و بعد تحقق اهداف موفقیت کارآفرینی اجتماعی رابطه وجود دارد، ۲. بین بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی و بعد رشد موفقیت کارآفرینی اجتماعی رابطه وجود دارد، ۳. بین بعد ساختاری سرمایه اجتماعی و بعد نوآوری موفقیت کارآفرینی اجتماعی رابطه وجود دارد. یدالهی فارسی و رضوی (۱۳۹۰) با انجام مطالعه‌ای در میان جوانان کارآفرین در روستاهای بخش کربال به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی با شناسایی و بهره‌برداری از فرصت توسط جوانان روستایی پرداختند. نتایج پژوهش این محققان بیانگر این است که اندازه شبکه اجتماعی و مهارت‌های کارآفرین و تجربه جوانان با موفقیت در کارآفرینی، رابطه مثبت و معناداری دارد. نتایج پژوهش این محققان نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی کارآفرینان با تعداد فرصت‌های شناسایی شده، تعداد فرصت‌های بهره‌برداری شده و پایداری کسب‌وکار وجود دارد. امینی‌نژاد و دیگران (۱۳۸۹) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که شبکه‌های اجتماعی، اعتماد و تمایل به همکاری بر تأمین مالی غیررسمی تأثیرگذارند. در مجموع یافته‌های تحقیق، بیانگر آن بوده‌اند که هر فردی از سطح مشارکت اجتماعی بالاتری

بررسی نظری و تجربی رابطه میان مشارکت اجتماعی ...

برخوردار باشد، با احتمال بالاتری به منابع مالی غیررسمی دسترسی خواهد داشت. رضوانی و نجارزاده (۱۳۸۷) به بررسی زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی پرداخته و بر این باورند که آموزش کارآفرینی و آماده‌سازی محیط اجتماعی و اقتصادی روستاها برای جذب نیروی انسانی جوان متخصص و ماهر به نواحی روستایی و فعالیت‌های کشاورزی می‌تواند به عنوان راهکار اصلی در ایجاد و تقویت کارآفرینی این نواحی به منظور توسعه پایدار بسیار مؤثر باشد.

نصراله‌ی وسطی و جلیلوند (۲۰۱۴) تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی زنان روستایی را در قالب مطالعه‌ای تجربی در ایران تحلیل کرده و با استفاده از مدلسازی معادلات ساختاری نشان دادند که هرچه سرمایه اجتماعی (با ابعاد ساختاری، ارتباطی و شناختی) در جوامع روستایی بالاتر باشد، انگیزه کارآفرینی زنان روستایی (با ابعاد موفقیت‌جویی، نوآوری، کنترل شخصی، اعتماد به نفس، فرصت‌جویی، استقلال و ریسک‌پذیری) برای حضور در فعالیت‌های کارآفرینانه نیز بیشتر خواهد بود. کوان^۱ و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که افراد در جوامع با سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی در مقایسه با جوامع با سطوح پایین‌تر، تمایل بیشتری به خوداشتغالی دارند. پون^۲ و همکاران (۲۰۱۲) نقش سرمایه اجتماعی را در کارآفرینی زنان در دو منطقه روستایی در ویتنام شمالی مورد ارزیابی قرار دادند. آنها دریافتند که سرمایه اجتماعی خانواده، احتمال کارآفرین شدن زنان را افزایش می‌دهد اما سرمایه اجتماعی نهادی تأثیری عکس دارد. برنشوستر^۳ و همکاران (۲۰۱۰) تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی را مطالعه کرده و نشان دادند سرمایه اجتماعی به افراد کارآفرین کمک می‌کند تا بر محدودیت‌های منابع فائق آیند. در پژوهشی دیگر، هانگساک^۴ (۲۰۰۰) با بررسی ۱۶۲ کارآفرین کره‌ای به بررسی این موضوع پرداخت که چگونه شبکه‌های یکپارچه ارتباطات، نتایج اقتصادی از جمله موفقیت تجارت کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این محقق نشان داد که سرمایه اجتماعی همگانی^۵ که از روابط واقعی افراد در گروه‌های همگانی به دست آمده، توسعه شبکه‌های مرتبط را برای مردم در یک اجتماع خاص (برای مثال کره‌ای‌ها) تحت تأثیر قرار می‌دهد. به علاوه، سرمایه اجتماعی همگانی افراد، توسعه

1. Kwon
2. Poon
3. Bauernschuster
4. Hongseok
5. Public Social Capital

شبکه‌های مرتبط مردم دور (برای مثال غیرکره‌ای‌ها) را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. سرمایه اجتماعی مرتبط^۱ از ارتباطاتی به دست می‌آید که شامل گروه‌های مختلف می‌شود و ارتباط‌دهنده مردمی است که با هم در ارتباط نیستند. پل^۲ و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی نقادانه ادبیات موجود در حوزه اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در فرآیند کارآفرینی پرداختند. به اعتقاد این محققان، گرچه مطالعه ادبیات سرمایه اجتماعی تاکنون جامع نیست، اما مشخص شد که در مورد اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، بر تعریفی پذیرفته شده از سرمایه اجتماعی اجماع وجود ندارد. لذا آنها پیشنهاد می‌کنند که سیاست‌گذاران به منظور توسعه فرهنگ کارآفرینی گام برداشته، کارآفرینان موجود را تشویق به بهره‌برداری از شبکه روابط رسمی و غیررسمی نمایند. کازومی^۳ (۲۰۱۰) دریافت که شبکه‌های اجتماعی برای کارآفرینان در مرحله شروع کسب‌وکار بسیار مهم بوده و ده نوع شبکه اجتماعی؛ شامل شبکه اعضای خانواده و بستگان، شبکه حزب سیاسی یا مذهبی، شبکه کودکان و مادران، شبکه سرگرمی، شبکه همکلاسی‌ها، شبکه آشنایان و دوستان، شبکه‌های درون و بیرون محیط کار، شبکه با سایر کارآفرینان، شبکه متخصصان، شبکه سازمان‌ها، شبکه مالکان شرکت‌ها با سایر کسب‌وکارها، و گروه‌های عمومی را شناسایی کرد که بر میزان دسترسی به سرمایه‌های مالی تأثیر می‌گذارند. نتایج مطالعه این محقق حاکی از آن است که زنان کارآفرین نسبت به مردان به میزان کمتری به کمک‌های مالی دسترسی دارند. ساپلتن^۴ (۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های مرکز مطالعات اجتماعی اروپا به این نتیجه رسید که زنانی که در بخش‌های سنتی زنانه فعالیت می‌کنند، از بالاترین سطح سرمایه اجتماعی برخوردارند. در مقابل افرادی که (مرد و زن) در بخش‌های سنتی مردانه فعالیت دارند، سطوح پایین‌تری از سرمایه اجتماعی را در ابعاد اعتماد، مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی دارند. نتایج این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که خوداشتغالی در یک بخش جنسیتی سنتی یا غیر سنتی، یکی از عوامل تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی است. به‌طور خلاصه، مطالعات انجام‌گرفته در مورد کارآفرینی نشان می‌دهند سرمایه اجتماعی می‌تواند با سرمایه‌های اجتماعی برانگیخته شود و در نهایت سبب فراهم آوردن زمینه‌ای مناسب برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه شود. با این حال، این مطالعه از چند جهت با مطالعات قبلی متفاوت

1. Associated Social Capital
2. Paul
3. Kazumi
4. Sappleton

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi **Director in Charge:** Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh **Index:** www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 **Website:** www.jrd.ut.ac.ir **Email:** jrd@ut.ac.ir

بررسی نظری و تجربی رابطه میان مشارکت اجتماعی ...

است؛ اول، این مطالعه برای اولین بار در حوزه کارآفرینی زنان روستایی صورت گرفته است. مطالعات قبلی عمدتاً با تأکید بر کارآفرینی سازمانی و یا جامعه مردان انجام شده است. دوم، این مطالعه برای اولین بار به بررسی رابطه مشارکت اجتماعی با تأکید بر ابعاد رسمی و غیررسمی (همیارانه، مذهبی و خیریه‌ای) و روحیه کارآفرینی با تأکید بر ابعاد ریسک‌پذیری و خلاقیت پرداخته است. در هیچ یک از مطالعات قبلی به بررسی جزئی‌تر ابعاد این دو مفهوم و ارتباط آنها با یکدیگر پرداخته نشده است.

چارچوب مفهومی

بررسی کارآفرینی در چارچوب ساختارهای اجتماعی، راه را برای چشم‌اندازی وسیع در مورد این مفهوم هموار و توجه را به نکات مبهم آن جلب می‌کند. به‌منظور درک روابط سرمایه اجتماعی و کارآفرینی، مبانی نظری سرمایه اجتماعی و کارآفرینی بیان می‌شود:

مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین‌گروهی در قالب انجمن‌های گروهی داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که خصصتی محلی و غیردولتی دارند و در قالب سیاست‌های اجتماعی، مشارکت مردم را در فرایندهای اجتماعی مختلف هدف خود می‌دانند. به عبارت دیگر مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر یا روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). در ادبیات موجود، این مفهوم به دو بخش تقسیم شده است؛ مشارکت اجتماعی رسمی و مشارکت اجتماعی غیررسمی. به اعتقاد محققان، مفهوم مشارکت اجتماعی رسمی «بر فعالیت و همکاری در طرح‌های عمرانی و شرکت در برنامه‌ها و جلسه‌های رسمی و دولتی و اظهارنظر و دخالت در تصمیم‌گیری‌ها دلالت دارد» (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹۳). به عبارت دیگر می‌توان این نوع مشارکت را شرکت در انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسه‌های مدنی رسمی دانست (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۶۸). مشارکت اجتماعی غیررسمی نیز بر همکاری و فعالیت‌های دسته‌جمعی افراد فارغ از برنامه‌ها و سیاست‌های حکومتی و دولتی دلالت دارد (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۶۶). این نوع مشارکت از روابط میان افراد مشارکت‌کننده و قالب‌های رسمی

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi Director in Charge: Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

نهادهای دولتی بیرون آمده و به مشارکتی اطلاق می‌شود که افراد بدون واسط بودن نهادهای دولتی و رسمی، به شرکت در امور مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اقدام می‌کنند. مشارکت غیررسمی نیز خود به سه گروه قابل تقسیم است: مشارکت غیررسمی همیارانه، خیریه‌ای و مذهبی (فیروزآبادی، ۱۳۸۴:۱۶۸). مشارکت غیررسمی همیارانه، مشارکت در فعالیتهای گروهی عموماً محلی است، همانند همکاری‌های نوع‌دوستانه، کمک به انجام فعالیتهای کشاورزی، شرکت در مراسم عزاداری، عروسی و مشارکت غیررسمی خیریه‌ای مشتمل بر ابعاد متنوعی از همکاری‌های نوع‌دوستانه است که معمولاً بر پایه کمک‌های خانوادگی انجام می‌گیرد که تحت نظارت عوامل رسمی نیستند. مفهوم مشارکت غیررسمی خیریه‌ای کمک‌ها و اعانه‌هایی همانند کمک به همسایگان، صدقه و کمک‌های نقدی و غیرنقدی به نیازمندان و فقرای روستایی و محلی است و عموماً بلاعوض قلمداد می‌شوند. مشارکت غیررسمی مذهبی نیز در برگیرنده طیفی از همکاری‌های داوطلبانه و خودانگیخته و محلی است که در زمان‌های مختلف و برای اجرای مراسم خاص صورت می‌گیرد و مشتمل بر همکاری‌هایی جهت انجام مراسم همچون مولودی، عزاداری و ... است (فیروزآبادی، ۱۳۸۴:۱۶۹).

روحیه کارآفرینی

افرادی که از قابلیت‌هایی همچون سخت‌کوشی، اراده‌مندی، ریسک‌پذیری و جرأت آغاز فعالیتهای بزرگ برخوردار باشند، روحیه کارآفرینی دارند. در شکل‌گیری روحیه کارآفرینی، ابعاد و شاخص‌های آن، عوامل گوناگونی دخیل‌اند. عوامل انگیزشی، روان‌شناختی (انگیزه، خلاقیت، و...)، اجتماعی و فرهنگی (مشارکت، خانواده، اعتماد، و ...) نقشی اساسی در تعیین روحیه کارآفرینی افراد دارند. تحقیقات نشان داده که مهم‌ترین عامل مؤثر در کارآفرینی و از قوه به فعل درآوردن آن، تقویت روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش است، آموزش روحیه کارآفرینی در افراد غیر کارآفرین از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو فعالیتهای آموزشی برای تربیت کارآفرینان در دستور کار بسیاری از مراکز آموزش کارآفرینی قرار گرفته است چرا که لازمه توسعه کارآفرینی، آموزش آن است (موحدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). ژوزف شومپتر^۱ (۲۰۰۵) به‌عنوان پیشرو علم کارآفرینی، کارآفرینی را چنین تعریف می‌کند: «کارآفرینی توانایی شکست خط‌مشی جاری، نابودی ساختارهای موجود و حرکت

1. Schumpeter

بررسی نظری و تجربی رابطه میان مشارکت اجتماعی ...

دادن سیستم به خارج از دایره تعادل است». برطبق نظر او مفهوم کارآفرینی در درک و استفاده به موقع از فرصت‌ها در قلمرو مؤسسه‌ها خود را نشان می‌دهد. این ترکیب جدید، واقعیت‌های موجود اقتصادی را به چالش می‌کشد، مؤسسه‌ها و محصولات قدیمی را با انواع بهتر جایگزین می‌کند و در نتیجه سیستم اقتصادی را به مراحل بالاتری از تعادل می‌رساند. او کارآفرین را با نوآوری شناسایی می‌کند و آن را حرکتی موقتی توصیف می‌کند نه یک وضعیت ثابت. از نظر او کارآفرینان پنج نوع نوآوری را عهده‌دار هستند: ۱. معرفی نوع تازه یا کیفیت بهتری از کالا، ۲. ابداع روش نوینی از تولید، ۳. گشایش بازار جدید، ۴. استفاده عملی از منابع برای تأمین مواد خام یا کالاهای واسطه‌ای و ۵. تشکیل ساختارهای جدید سازمانی بر مبنای صنعت. برخلاف نظر شومپتر، جریان بازار به‌عنوان تخریب خلاق، کریزنر^۱ (۱۹۹۷) فرض می‌کند کارآفرینان افرادی‌اند که عدم تعادل را در شکل فرصت‌های جدید بر طرف می‌کنند. بسیاری از ویژگی‌های شخصی را می‌توان پرورش داد و به کمک آن در کسب‌وکار (فکر تولید، فروش، سود و گرایش بهینه و سریع سرمایه‌های مادی و معنوی) به موفقیت دست یافت. اغلب مردم این قابلیت را دارند که از این ویژگی‌ها بهره‌برداری کنند. کارآفرین بودن یعنی توانایی کشف و ارزیابی فرصت‌ها، جمع‌آوری منابع لازم و بهره‌برداری از فرصت‌ها. کارآفرین، هدایت‌کننده است و باید در فعالیت‌های خود از صفت رهبری برخوردار باشد (شاه‌حسینی، ۱۳۸۳: ۱۶).

بررسی ویژگی‌های افراد کارآفرین نشان می‌دهد که آنها دارای مجموعه‌ای از خصلت‌ها هستند، شناسایی این خصلت‌ها فراهم‌کننده زمینه لازم در تقویت و توسعه کارآفرینی بین سایر افراد جامعه خواهد بود. برخی از این خصلت‌ها عبارتند از: تحمل ریسک، فرصت‌گرا بودن، از خود گذشتگی، میل به پیشرفت و توفیق‌طلبی، هدف‌گرا بودن، خوش‌بینی، آینده‌نگر بودن، رقابت‌مندی، قدرت تحمل، کنترل محیط بیرون، بانگیزه و مصمم بودن، اعتماد به نفس داشتن، نتیجه‌گرا بودن، خلاقیت و نوآوری، قدرت‌طلبی و استقلال‌طلبی (موحدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۷-۶۶). در تحقیقات قبلی، ریسک‌پذیری و خلاقیت به‌عنوان عناصر مهمی در شکل‌گیری روحیه کارآفرینی مطرح شده‌اند. ریسک‌پذیری عبارت است از «توانایی فرد در فرورفتن و انجام اعمال و کارهایی که دارای پیامدهایی غیر قابل پیش‌بینی و یا

1. Kirzner

احتمالاً خطرآفرین‌اند. به عبارت دیگر، پذیرش خطرهایی که می‌توانند از طریق تلاش‌های شخصی افراد ایجاد شوند و کنترل گردند^۱ وایزبرگ^۱ خلاقیت را «توانایی حل مسائلی که از قبل نیاموخته‌ایم، می‌داند» (آقایی، ۱۳۸۳: ۱۷). خلاقیت از نظر گیلفورد، تفکر واگرا در حل مسائل است. خلاقیت عبارت است از توانایی بالقوه در به وجود آوردن چیزهایی تازه و نو که در وجود انسانهاست (میر و وایزبرگ^۲، ۱۹۸۸).

نتایج پیشینه تحقیق بیانگر آن است که رابطه معناداری بین ابعاد سرمایه اجتماعی (از جمله مشارکت اجتماعی) و روحیه کارآفرینی وجود دارد. بر اساس یافته‌های محققان پیشین می‌توان اینگونه استدلال کرد که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (به‌ویژه مشارکت اجتماعی) به‌عنوان عوامل انسجام‌بخش و تعادل‌بخش در مناطق روستایی به شمار می‌روند و می‌توان نقش مهمی برای این مؤلفه‌ها به‌عنوان بسترهای شکل‌دهنده روحیه کارآفرینی قائل شد. در ایجاد روحیه کارآفرینی به‌عنوان عاملی که در درجه اول روان‌شناختی و انگیزشی است، متغیرهای اجتماعی و فرهنگی همچون مشارکت اجتماعی نقش غیر قابل انکاری ایفا می‌کنند. وجود ساختارها و بسترهای مناسب در مناطق روستایی به ابعاد ساختاری، رابطه‌ای و شناختی سرمایه اجتماعی، پویایی و تحرک خاصی داده است، به‌نحوی که می‌توان گفت بافت مناطق روستایی و مشارکت‌های غیررسمی و خودجوش سنتی، سازوکاری مهم در ایجاد انگیزه و روحیه کارآفرینی و خلاقیت در مناطق روستایی است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که وجود شبکه‌های اجتماعی زنان روستایی در ایجاد روحیه کارآفرینی سنتی آنان نقش بسزایی دارد. شبکه‌های خویشاوندی، خانوادگی و محلی در شکل‌گیری مشارکت زنان اهمیت فراوانی داشته است، اما باید گفت این مشارکت‌ها بیشتر جنبه غیرمالی و غیر اقتصادی داشته و به‌عنوان جنبه‌های حمایتی، همیارانه و مذهبی در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین می‌توان انتظار داشت که ابعاد مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی (همیارانه، مذهبی و خیریه‌ای) با خلاقیت و ریسک‌پذیری زنان کارآفرین ارتباط داشته باشد. این روابط در شکل ۲ نشان داده شده است.

1. Waisberg
2. Mayer and Waisberg

Journal of Rural Development

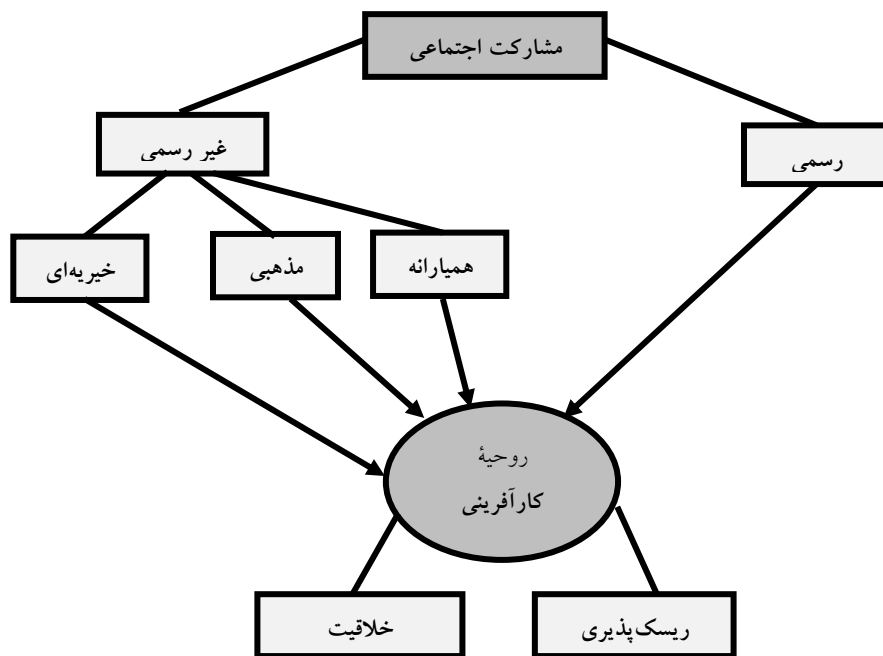
Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi **Director in Charge:** Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakshizadeh **Index:** www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 **Website:** www.jrd.ut.ac.ir **Email:** jrd@ut.ac.ir

بررسی نظری و تجربی رابطه میان مشارکت اجتماعی ...



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع توصیفی- کاربردی و به روش پیمایشی انجام شده است. با روش اسنادی و کتابخانه‌ای نیز به مطالعه پیشینه و مبانی نظری پژوهش پرداخته شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد است. پس از توزیع نمونه مقدماتی (۳۰ نفر)، پایایی و روایی پرسشنامه آزمون شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب محاسبه شده برای متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است. این ضریب در مورد تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۶۹ بوده که این مقدار در تحقیقات علوم انسانی رضایت‌بخش است.

برای بررسی اعتبار پرسشنامه نیز از نظر خبرگان و اساتید استفاده شد. جامعه آماری مورد مطالعه، تمام زنان عضو شرکت تعاونی روستای شیروان از توابع بخش شیروان شهرستان بروجرد است. مطابق

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi Director in Charge: Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

با اساسنامه شرکت تعاونی روستایی، زنانی در این تعاونی عضویت داشتند که عمدتاً به فعالیت‌های کارآفرینانه اشتغال و در تولید ارزش افزوده سهم داشتند. شایان توضیح است که زنان روستایی به‌رغم موقعیت نامناسب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نقش قابل توجهی در جامعه روستایی ایفا می‌کنند و میزان نقش و مشارکت آنها در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی و خدماتی در سطح بالایی است. طبق آمار به‌دست‌آمده از شرکت تعاونی بخش شیروان، ۱۱۸ نفر عضو رسمی تعاونی بوده و در آن مشغول به فعالیت بودند. با توجه به محدود بودن جامعه، تمامی اعضای آن بررسی شدند.

جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	آلفای کرونباخ (α)
مشارکت اجتماعی رسمی	۰/۸۷۹
مشارکت اجتماعی غیررسمی همیارانه	۰/۶۷۵
مشارکت اجتماعی غیررسمی خیریه‌ای	۰/۷۰۹
مشارکت اجتماعی غیررسمی مذهبی	۰/۶۵۹
خلافت	۰/۶۹۹
ریسک‌پذیری	۰/۷۱۳

برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش، از آمار توصیفی (فراوانی و درصد) و آزمون همبستگی کندال تائو بی استفاده شد. آزمون کندال، مشخص می‌کند تا چه اندازه افزایش یا کاهش در یک متغیر با افزایش یا کاهش در متغیر دیگر همراه است (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۰۶).

یافته‌های تحقیق

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که دامنه سنی پاسخ‌دهندگان این مطالعه ۲۶ تا ۵۰ سال است. ۱۵ نفر از آنها بین ۲۶ تا ۳۰ سال؛ ۲۶ نفر بین ۳۱ تا ۳۵ سال، ۳۷ نفر بین ۳۶ تا ۴۰ سال، ۲۰ نفر بین ۴۱ تا ۴۵ سال، و ۲۰ نفر بین ۴۶ تا ۵۰ سال قرار داشتند. از نظر وضعیت تأهل، از ۱۱۸ نفر اعضای شرکت تعاونی شرکت‌کننده در این پژوهش ۸ نفر مجرد، ۱۰۰ نفر متأهل و ۱۰ نفر مطلقه بودند. از نظر سطح تحصیلات، افراد شرکت‌کننده در این مطالعه به دو گروه پایین‌تر و بالاتر از دیپلم تقسیم شدند که ۹۷ نفر از آنها تحصیلات کمتر از دیپلم و ۲۱ نفر دیگر تحصیلات لیسانس داشتند. از ۱۱۸ نفر

بررسی نظری و تجربی رابطه میان مشارکت اجتماعی ...

شرکت کننده در این مطالعه ۱۰۵ نفر از افراد سرپرست خانواده نبودند و تنها ۱۳ نفر از آنها سرپرست خانواده بودند که نشان می دهد بیشتر زنان عضو تعاونی جوان و متأهل اند.

جدول ۲. ویژگی های جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

درصد (%)	فراوانی	سن
۱۲/۷۱	۱۵	۲۶ تا ۳۰ سال
۲۲/۰۳	۲۶	۳۱ تا ۳۵ سال
۳۱/۳۵	۳۷	۳۶ تا ۴۰ سال
۱۶/۹۵	۲۰	۴۱ تا ۴۵ سال
۱۶/۹۵	۲۰	۴۶ تا ۵۰ سال
		وضعیت تأهل
۶/۷۸	۸	مجرد
۸۴/۷۴	۱۰۰	متأهل
۸/۴۷	۱۰	مطلقه
		سطح تحصیلات
۸۲/۲۰	۹۷	کمتر از دیپلم
۱۷/۸۰	۲۱	لیسانس
		سرپرستی خانواده
۱۱/۰۲	۱۳	سرپرست
۸۸/۹۸	۱۰۵	غیرسرپرست

نتایج آزمون همبستگی کندال تائو بی که در جدول ۲ ارائه شده، حاکی از آن است رابطه معناداری بین مشارکت اجتماعی رسمی و خلاقیت وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی ۰/۳۶ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است که نشان از همبستگی مستقیم رابطه مشارکت اجتماعی رسمی و خلاقیت دارد. یعنی هر چه بعد مشارکت اجتماعی رسمی قوی تر باشد، خلاقیت افراد نیز به همان میزان بیشتر خواهد شد، به عبارت دیگر، افراد به میزانی که در نهادها و مؤسسه های رسمی و دولتی مشارکت فعال دارند به همان میزان کنجکاوی، تحرک و خلاقیت شان بالاتر می رود، زیرا نهادهای رسمی با ایجاد بسترهای مناسب و درگیر کردن افراد در فعالیت هایی که جنبه روزمرگی کمتری دارند افراد را خلاق تر بار می آورند.

نتایج نشان می دهد که رابطه معناداری بین مشارکت اجتماعی رسمی و ریسک پذیری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی ۰/۱۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است که نشان از همبستگی مستقیم مشارکت اجتماعی رسمی و ریسک پذیری دارد. یعنی هر چه بعد مشارکت اجتماعی رسمی قوی تر باشد

توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

ریسک‌پذیری افراد نیز به همان میزان بیشتر خواهد بود، بنابراین، مشارکت اجتماعی رسمی می‌تواند افراد را از زندگی روزمره جدا ساخته، آنان را وارد فعالیت‌های نهادی کند، قدرت تفکر و تعقل بیشتری به آنان بدهد و از این طریق قدرت ریسک‌پذیری افراد در سرمایه‌گذاری‌های مشارکتی در امور مالی، خدماتی و ... افزایش می‌یابد.

رابطه مشارکت اجتماعی غیررسمی همیارانه و خلاقیت معنادار است. مقدار ضریب همبستگی ۰/۱۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است که نشان از همبستگی مستقیم مشارکت اجتماعی غیررسمی - همیارانه و خلاقیت دارد. یعنی هرچه بعد مشارکت اجتماعی غیررسمی همیارانه قوی‌تر باشد خلاقیت افراد نیز به همان میزان بیشتر خواهد بود، مشارکت‌های غیررسمی همیارانه با ایجاد تعامل‌های غیررسمی و دوستانه بین افراد، بسترهای مناسبی را برای تعامل و کنش متقابل به وجود می‌آورد و از این طریق افراد را به سوی امور و کارهایی سوق می‌دهد که ناشی از توانایی‌های درونی و بالقوه افراد است و همین از قوه به فعل درآمدن توانایی‌های افراد از طریق مشارکت‌های خودجوش غیررسمی توان خلاقیت آنان را بالا می‌برد.

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی کندال

معناداری	ضریب همبستگی	سطح متغیر	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۳۶	رتبه‌ای - رتبه‌ای	خلاقیت	مشارکت اجتماعی رسمی
۰/۰۰۰	۰/۱۱	رتبه‌ای - رتبه‌ای	ریسک‌پذیری	مشارکت اجتماعی رسمی
۰/۰۰۰	۰/۱۲	رتبه‌ای - رتبه‌ای	خلاقیت	مشارکت اجتماعی غیررسمی همیارانه
۰/۰۰۰	۰/۳۸	رتبه‌ای - رتبه‌ای	ریسک‌پذیری	مشارکت اجتماعی غیررسمی همیارانه
۰/۰۰۰	۰/۳۳	رتبه‌ای - رتبه‌ای	خلاقیت	مشارکت اجتماعی غیررسمی مذهبی
۰/۰۰۰	۰/۱۳	رتبه‌ای - رتبه‌ای	ریسک‌پذیری	مشارکت اجتماعی غیررسمی مذهبی
۰/۰۰۴	۰/۱۰	رتبه‌ای - رتبه‌ای	خلاقیت	مشارکت اجتماعی غیررسمی خیریه‌ای
۰/۰۰۰	۰/۲۷	رتبه‌ای - رتبه‌ای	ریسک‌پذیری	مشارکت اجتماعی غیررسمی خیریه‌ای

نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد رابطه معناداری بین مشارکت اجتماعی غیررسمی همیارانه و ریسک‌پذیری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی ۰/۳۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است که نشان از همبستگی مستقیم رابطه مشارکت اجتماعی غیررسمی همیارانه و ریسک‌پذیری دارد. یعنی هر چه بعد مشارکت اجتماعی غیررسمی همیارانه قوی‌تر باشد، ریسک‌پذیری افراد نیز به همان میزان بیشتر خواهد

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi Director in Charge: Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

بررسی نظری و تجربی رابطه میان مشارکت اجتماعی ...

بود، همانطور که در فرضیه قبلی ذکر شد مشارکت اجتماعی غیررسمی همیارانه که ناشی از روابط و تعاملات افراد است، با مهیا ساختن بسترهایی که خلاقیت افراد را افزایش می‌دهند و با ایجاد پشتوانه‌های غیررسمی همیارانه قدرت ریسک‌پذیری افراد را بالا می‌برد، زیرا افراد با داشتن قدرت اتکا به دوستان، خویشان و... جرأت ریسک پیدا می‌کنند که موجب تقویت این نگرش می‌شود که حتی در صورت شکست در کسب‌وکار از حمایت‌های رسمی برخوردارند. به‌علاوه، نتایج گویای آن است که رابطه معناداری بین مشارکت اجتماعی غیررسمی مذهبی و خلاقیت وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی $0/33$ و سطح معناداری $0/000$ است که نشان از همبستگی مستقیم مشارکت اجتماعی غیررسمی مذهبی و خلاقیت دارد. یعنی هر چه بعد رابطه مشارکت اجتماعی غیررسمی مذهبی قوی‌تر باشد خلاقیت افراد نیز به همان اندازه بیشتر خواهد بود، مشارکت‌های غیررسمی و خودجوش مانند مشارکت‌های مذهبی و دینی با قرار دادن افراد در بسترهایی که جنبه مادی کمتری دارند می‌توانند با ایجاد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی قدرت استفاده از ظرفیت‌های بالقوه افراد را افزایش دهد، علاوه بر این با مهیاسازی امور مثل برپایی هیئت‌ها و مراسمی که جنبه امدادی و حمایتی دارند قدرت و توان خلاقیت افراد را افزایش دهد. رابطه مشارکت اجتماعی غیررسمی مذهبی و ریسک‌پذیری نیز معنادار است. مقدار ضریب همبستگی $0/13$ و سطح معناداری $0/000$ است که نشان از همبستگی مستقیم مشارکت اجتماعی غیررسمی مذهبی و ریسک‌پذیری دارد. یعنی هرچه مشارکت اجتماعی غیررسمی مذهبی بیشتر باشد، ریسک‌پذیری افراد نیز به همان اندازه بیشتر خواهد بود، همانطور که در فرضیه قبلی اشاره شد مشارکت‌های غیررسمی مذهبی چون سرمایه اجتماعی درون‌گروهی افراد را افزایش می‌دهد از این طریق می‌تواند میزان خلاقیت، کنجکاوی، تعقل و تفکر افراد را افزایش دهد و این امر در سطحی دیگر می‌تواند ریسک‌پذیری افراد را در امور مادی افزایش دهد.

مثلاً با ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه بین زنان روستایی، توان مالی آنان را در جنبه‌هایی که سودآوری و ریسک‌پذیری بیشتری دارد افزایش می‌دهد. افزون بر این، رابطه معناداری بین مشارکت اجتماعی غیررسمی خیریه‌ای و خلاقیت مشاهده شد. مقدار ضریب همبستگی $0/10$ و سطح معناداری $p < 0/05$ است، مشارکت در امور خیریه و حمایتی از جمله مشارکت‌هایی است که با جامعه سنتی

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi Director in Charge: Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

همبسته و مقوم آن بوده است، این نوع مشارکت مبتنی بر اموری بوده است که جامعه سنتی سال‌ها با آن زنده بوده است. این نوع مشارکت با ایجاد بسترهایی همچون تعاملات رودررو و حمایتی بین افراد توان آنان را در امور روزمره بالا برده و با ایجاد پشتوانه‌های حمایتی و امدادی بین افراد قدرت خلاقیت آنان را بالا می‌برد.

سرانجام، نتایج آزمون همبستگی کندال نشان می‌دهد رابطه معناداری بین مشارکت اجتماعی غیررسمی خیریه‌ای و ریسک‌پذیری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی $0/27$ و سطح معناداری $0/000$ است که نشان از همبستگی مستقیم مشارکت اجتماعی غیررسمی خیریه‌ای و ریسک‌پذیری دارد. یعنی هرچه مشارکت اجتماعی غیررسمی خیریه‌ای بیشتر باشد، ریسک‌پذیری افراد نیز به همان میزان بیشتر خواهد بود، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای عموماً در اموری انجام می‌گیرد که جنبه نهادی و رسمی ندارند و از این حیث کمتر افراد را به ساختار رسمی وابسته می‌کند، پس از این طریق می‌تواند ریسک‌پذیری و آینده‌نگری افراد را افزایش دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، بررسی رابطه مشارکت اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی و روحیه کارآفرینی زنان روستایی است. بدین منظور، مشارکت اجتماعی در قالب دو بعد رسمی و غیررسمی بررسی شد. مشارکت اجتماعی غیررسمی خود دارای سه بعد مذهبی، خیریه‌ای و همیارانه است. خلاقیت و ریسک‌پذیری نیز به‌عنوان دو بعد مهم در رفتار کارآفرینان مد نظر قرار گرفت. نتایج مطالعه نشان داد که رابطه مثبت و معناداری میان ابعاد مشارکت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) (مذهبی، خیریه‌ای و همیارانه) و ابعاد روحیه کارآفرینی (خلاقیت و ریسک‌پذیری) وجود دارد. باید اذعان کرد که مشارکت رسمی و غیررسمی از جمله ضرورت‌های توسعه پایدار روستایی است. دستیابی به مشارکت‌های اجتماعی (رسمی و غیررسمی) بدون توجه به سازوکارهای فرهنگی، اجتماعی دشوار است.

در حوزه مورد مطالعه، مشارکت‌های غیررسمی در بین زنان روستایی از اهمیت بسزایی برخوردار بود. این گونه مشارکت‌ها بیشتر حول مشارکت‌های غیررسمی مالی و حمایتی، همیارانه و تا

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi Director in Charge: Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

بررسی نظری و تجربی رابطه میان مشارکت اجتماعی ...

حدی خیریه‌ای است، وجود سرمایه اجتماعی درون‌گروهی زنان روستایی به ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه، به شکلی خودجوش، منجر شده بود که این امر باعث شکل‌گیری مشارکت غیررسمی مالی از نوع همیارانه در بین آنان شده است. محرک اصلی این صندوق‌ها علاوه بر شرکت تعاونی مورد مطالعه، وجود زنان سرپرست خانوار روستایی است. از یک سو نیاز مالی این نوع زنان باعث راه‌اندازی این نوع کسب‌وکار شده بود و از سوی دیگر، حمایت‌های شرکت تعاونی که خود برخاسته از مشارکت‌های خودجوش زنان روستایی است، به شکل‌گیری مشارکت غیررسمی همیارانه بین آنها انجامید. مشارکت‌های غیررسمی با توجه به شرایط حاکم بر جامعه مورد مطالعه، نقش غیر قابل انکاری در بروز خلاقیت و افزایش قدرت ریسک‌پذیری زنان روستایی داشته است. کسب‌وکارهای مبتنی بر سرمایه‌های مالی که حاصل مشارکت‌های اندک مالی زنان است به طور مستقیم در شکل‌گیری فعالیت‌هایی مثل پرورش قارچ و صیفی‌جات و راه‌اندازی مشاغل زنانه، نقش اجتناب‌ناپذیری داشت. به علاوه، نتایج این مطالعه مبنی بر تأثیر مشارکت‌های غیررسمی با ابعاد چندگانه خود شامل همیارانه، خیریه‌ای و مذهبی بر روحیه کارآفرینی، با نتایج پژوهش‌های قبلی سازگار است.

مطالعه کازومی (۲۰۱۰) و ساپلتن (۲۰۰۹) از جمله تحقیقاتی‌اند که در زمینه مشارکت‌های غیررسمی و ایجاد روحیه کارآفرینی به انجام رسیده‌اند. کازومی معتقد است شبکه‌های اجتماعی تأثیر مهمی بر دستیابی به سرمایه‌های مالی (همیارانه و خیریه‌ای) دارند به‌نحوی شبکه‌های اجتماعی غیررسمی مثل شبکه‌های مذهبی، شبکه‌های آشنایان و دوستان و حتی شبکه‌های رسمی محیط کار نقش بیشتری دارند. در این مطالعه شبکه‌های اجتماعی غیررسمی در شروع کسب‌وکار اهمیت ویژه‌ای دارند و در مراحل بالاتر و توسعه بیشتر کارآفرینی باعث پیوند کارآفرین به شبکه‌های رسمی و خارجی می‌شوند. لذا وجود کمک‌های همیارانه و مذهبی در شکل‌گیری کارآفرینی و راه‌اندازی آن در مراحل اولیه نقش مهمی ایفا کرده‌اند به‌نحوی که در بین زنان مورد مطالعه نیز پشتوانه‌های محلی و دوستانه و دینی نقش مهمی داشتند.

ساپلتن (۲۰۰۹) نیز بر رابطه سرمایه اجتماعی و زنان کارآفرین تأکید می‌کند و می‌گوید زنانی که از مشارکت و سرمایه اجتماعی مبتنی بر جنسیت زنانه برخوردارند، از روابط و سرمایه بیشتری برخوردارند. حوزه‌های سنتی کسب‌وکار باعث می‌شود زنان از بیشترین سرمایه اجتماعی برخوردار

باشند و همین امر اعتماد و به تبع آن خوداشتغالی و ریسک‌پذیری و خلاقیت آنها را بیشتر می‌کند. نکته مهم این است که متغیرهای مشارکت اجتماعی غیررسمی و مشارکت مذهبی در تحقیقات خارجی کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اما وجود نگرش‌های مذهبی مبتنی بر دین و مناسک مذهبی در جوامع سنتی به‌ویژه در میان زنان در شکل‌گیری مشارکت‌های مذهبی نقش داشته است. مذهب به‌عنوان عنصری مهم در پیوند دادن افراد در گروه‌های مختلف به‌ویژه زنان همواره نقشی اساسی داشته است.

زنان احساسات و عواطف نیرومندتری نسبت به مردان دارند و همین عامل در شکل‌گیری مشارکت آنان مؤثر است. این مشارکت‌های خودجوش و مبتنی بر نگرش دینی با ایجاد فضای صمیمیت و نوع‌دوستی توانسته است نوعی ابتکار در حیطه‌هایی چون صندوق‌های حمایت از کودکان فقیر روستا و ... در جامعه روستایی شود. مشارکت اجتماعی رسمی در نهادها و سازمان‌های متولی توسعه در مناطق روستایی و فقیر، در دهه‌های اخیر از اهمیت زیادی برخوردار شده است. این نهادها جهت پر نمودن خلأ مدیریتی در روستاها شکل گرفته‌اند.

مشارکت‌های رسمی اگر آمرانه و مبتنی بر اجبار نباشد نقش بسزایی در توسعه، رفاه و بهزیستی روستایی دارد. مشارکت اجتماعی رسمی در سازمان‌ها و با اهداف رسمی، سازمانی و نهادی صورت می‌گیرد و بنابراین مبتنی بر همکاری و سود متقابل بین نهادهای رسمی و عموم مردم است. نهادهای دولتی با ایجاد بسترهای مناسب برای کنش و تعاملات خارج از محدوده دوستانه و غیررسمی عامل پیوند بین مردم و دولت‌اند که این امر می‌تواند هم به درک درست از نیازهای افراد مورد هدف منجر شود و هم منابع دولتی اعم از مالی و غیرمالی را در دسترس روستاییان قرار دهد.

زنان مورد مطالعه با داشتن ذهنیت‌های مناسب و مثبت یعنی آمادگی روانی برای مشارکت اجتماعی (مشارکت اجتماعی ذهنی) و با کمک آموزش‌های رسمی (کلاس‌های آموزشی، تفریحی، هنری و ...) توانسته‌اند با اهداف شرکت تعاونی مورد نظر در شیروان هماهنگ شوند. وجود رابطه ارگانیک و متقابل بین اهداف این شرکت و نیازهای زنان مورد مطالعه باعث شده است که هم زنان بتوانند به پویایی و رونق این شرکت تعاونی منجر شوند و هم شرکت تعاونی به نیازهای آنان تا حدی جامعه عمل پوشاند. مشارکت رسمی و عضویت (عادی و فعال) در شرکت تعاونی زنان را وارد

بررسی نظری و تجربی رابطه میان مشارکت اجتماعی ...

عرصه‌های جدید کسب و کارهای کارآفرینانه کرده است. زنان با ورود به شرکت به‌عنوان یک عضو در جلسات، گردهمایی‌ها و ... مشارکت فعال دارند (مشارکت رسمی). به عنوان مثال با مشارکت فعالانه، زنان روستایی می‌تواند از کمک‌ها و وام‌های خدماتی و تولیدی بهره‌مند شوند. این مشارکت رسمی که فقط با عضویت رسمی امکان‌پذیر است باعث گشایش منابع مالی سازمانی برای زنان می‌شود که در شکل‌گیری روحیه کارآفرینی از طریق راه‌اندازی صنایع دستی خانگی، پرورش دام و طیور نقشی تسهیل‌گرانه داشته است. زنان سرپرست خانوار با داشتن پشتوانه رسمی و نهادی توانسته‌اند بدین منظور پیشگام شوند.

رضوانی و نجارزاده (۱۳۸۷) نشان داده‌اند مشارکت‌های رسمی از طریق آموزش سازمانی نقش مهمی در افزایش زمینه‌های کارآفرینی دارد. افراد با عضویت رسمی در سازمان‌های رسمی و با مشارکت نهادمند در آنها آمادگی روانی لازم برای مشارکت عینی و رفتاری پیدا می‌کنند. آموزش با جذب نیروی انسانی مجرب و متخصص و با ایجاد ذهنیت‌های مناسب می‌تواند به نواحی کشاورزی و روستایی کمک فراوانی کند و از این طریق به افزایش روحیه کارآفرینی و روحیه تولیدی آنان کمک کند.

انجام این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز روبرو بود؛ اول، یافته‌های این پژوهش به بعد زمانی و مکانی انجام پژوهش محدود است، لذا قدرت تعمیم‌پذیری نتایج محدود می‌شود. دوم، محدود بودن منابع فارسی و لاتین در حوزه کارآفرینی زنان روستایی و سرمایه اجتماعی آنها، جهت تکمیل پیشینه پژوهش محدودیت دیگری بود. سوم، برخی از پاسخ‌دهندگان به دلیل نداشتن تحصیلات کافی، توانایی تکمیل پرسشنامه را نداشتند. سرانجام، از نظر روش پژوهش بایستی در نظر داشت که نتایج پژوهش‌های همبستگی به شدت تحت تأثیر حجم نمونه‌اند، بنابراین نتایج می‌تواند با نوسان حجم نمونه تغییر کند.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. نشر نی.
- اسدی ابوخیلی، مریم (۱۳۹۰). شناسایی و تعیین نقش سرمایه اجتماعی بر موفقیت کارآفرینی اجتماعی (مورد مطالعه: سه سازمان مردم‌نهاد: محک، رعدالغدیر، مهرآفرین). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران.
- آقایی، صمد (۱۳۸۳). خلاقیت جوهره کارآفرینی. تهران: دانشگاه تهران. مرکز کارآفرینی.
- امینی‌نژاد، روجا؛ قلی‌پور، آرین؛ اسلامی‌بیدگلی، غلامرضا (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی کارآفرینان نوپا و تأمین مالی غیررسمی. توسعه کارآفرینی، سال سوم، شماره دهم، زمستان، صص ۴۹-۷۰.
- حیدری سازبان، وکیل (۱۳۹۱). اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی با روش AHP، مجله مطالعات اجتماعی روانشناسی زنان، سال ۱۰، شماره ۲، صص. ۱۵۹-۱۷۷.
- ریبیعی، علی؛ صادق‌زاده، حکیمه (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- رضوانی، محمدرضا؛ نجارزاده، محمد (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی شهرستان اصفهان). توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، زمستان، صص ۱۶۱-۱۸۲.
- شاه‌حسینی، علی (۱۳۸۳). کارآفرینی. تهران: آبیژ، چاپ اول.
- عبداللهی، حمیدرضا (۱۳۸۶). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، مطالعه موردی روستای نیک‌نامه از توابع شهرستان شمیرانات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴). بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فیروزآبادی، سید احمد؛ نصرالهی وسطی، لیلا (۱۳۹۳). بررسی رابطه میان اعتماد اجتماعی و روحیه کارآفرینی زنان روستایی مطالعه موردی: دهستان شیروان از توابع شهرستان بروجرد، پژوهش‌های روستایی، دوره ۵، شماره ۱، صص. ۲۵-۴۴.

بررسی نظری و تجربی رابطه میان مشارکت اجتماعی ...

قلی‌پور، رحمت‌الله؛ مدهوشی، مهرداد؛ جعفریان، وحید (۱۳۸۷). تحلیل رابطه و تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی سازمانی (مطالعه موردی در گروه صنعتی سدید). فرهنگ مدیریت، سال ششم، شماره هفدهم، صفحه ۱۱۱-۱۲۹.

کاوسی، اسماعیل؛ کیاسی، حمیرا (۱۳۸۷). بررسی نقش اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی در توسعه کارآفرینی. کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۱۰، دیماه، صص ۹۷-۱۰۵.

کلانتری، خلیل (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی. تهران: انتشارات علامه طباطبایی.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹). بررسی زمینه مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی. تهران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی.

موحدی، رضا؛ یعقوبی فرانی، احمد؛ خداوردیان، مجیدرضا؛ زارعی، شیما (۱۳۸۹). بررسی روحیه کارآفرینی دانشجویان کشاورزی و شیوه‌های بهبود آموزش کارآفرینی. مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال سوم، شماره ۳، پاییز، صص ۶۵-۸۱.

هاشمی، سید سعید، ایمنی، سیاوش، مطیعی لنگروی، سید حسن، غدیری معصوم. مجتبی و رضوانی، محمدرضا. (۱۳۹۲). توسعه کارآفرینی روستایی با تأکید بر نهادهای محلی (مطالعه موردی: بهاباد استان یزد). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره سوم، صفحات. ۱-۲۶.

یدالهی فارسی، جهانگیر؛ رضوی، سید مصطفی (۱۳۹۱). نقش سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی در کارآفرینی جوانان در روستاهای بخش کربال. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۹، صص ۱۱۵-۱۰۳.

Bauernschuster, S., Falck, O. and Heblich, S. (2010). Social capital access and entrepreneurship, *Journal of Economic Behavior and Organization*, Vol. 76 No. 3, pp. 821-833.

Heilig, J. (2009). *European rural development*, Luxembourg: International Institute for Applied System Analysis, Australia.

Hongseok, O. (2000). *The antecedents of social capital and its effects on entrepreneurial success*, Ph.D dissertation, The Pennsylvania State University, USA.

Kazumi, T. (2010). *Women Entrepreneurs' External Financial Access and social Networks in Business start-ups*, senshu university, school of commerce.

Kirzner, I. M. (1997). Entrepreneurial discovery and the competitive market process: an Austrian approach. *Journal of Economic Literature*, Vol. 35 No.1, pp. 60-85.

Kwon, S.W., Heflin, C. and Ruef, M. (2013). Community social capital and entrepreneurship, *American Sociological Review*, Vol. 78 No. 6, pp. 980-1008.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi Director in Charge: Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

- Nasrolahi Vosta, L. and Jalilvand, M. R. (2014). Examining the influence of social capital on rural women entrepreneurship: An empirical study in Iran, *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, Vol. 10 No. 3, pp. 209-227.
- Paul J, Ferri, David Deakins and Geoff Whittam (2009). *The measurement of social capital in the entrepreneurial context*, *Journal of Enterprising communities: people and places in the Global Economy*, Vol. 3 No.2, pp.138- 151.
- Poon, J.P.H., Thai, D.T. and Naybor, D. (2012). Social capital and female entrepreneurship in rural regions: evidence from Vietnam, *Applied Geography*, Vol. 35 No. 1/2, pp. 308-315.
- Sapleton, N. (2009). Women non- traditional entrepreneurs and Social capital, *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, Vol. 1 No. 3, pp.192- 218.
- Schumpeter.J. A, (2005). Development. *Journal of economic Literature*, Vol. 43, pp. 108-120.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi **Director in Charge:** Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh **Index:** www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 **Website:** www.jrd.ut.ac.ir **Email:** jrd@ut.ac.ir

